



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۹۲	تاریخ	۱۴۰۴/۰۱/۲۶
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل چهارم: استدلال به حکم عقل بر حجیت خبر واحد				
عنوان ۵	تفاوت اثبات حجیت خبر با دلیل شرعی و اثبات آن با علم اجمالی در نسبت با اصول عملیه				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور و تکمیل بحث پیشین

بحث پیرامون تفاوت میان اثبات حجیت خبر واحد به وسیله دلیل حجیت و اثبات وجوب عمل به آن بر اساس علم اجمالی بود. چنانکه گذشت، این تفاوت در سه حوزه قابل بررسی است: (۱) نسبت به اصول عملیه، (۲) نسبت به عمومات و اطلاعات کتاب و سنت، (۳) در موارد تعارض خبرین.

بحث فعلی در حوزه اول، یعنی قیاس با اصول عملیه، متمرکز است و به تفصیل دیدگاه مرحوم آیت الله صدر می پردازد. ایشان برخلاف نظر مرحوم آیت الله خوئی که در فرض توافق خبر و اصل (هر دو الزامی یا هر دو ترخیصی)، قائل به عدم ثمره بودند، تفصیل قائل شده اند.

فرض مورد بحث در جلسات اخیر، حالتی است که خبر و اصل عملی، هر دو متوافقاً ترخیصی باشند. در این فرض، ابتدا نسبت مدلول مطابقی خبر با اصل عملی سنجیده شد. در فرضی که مدلول مطابقی ترخیصی خبر در مقابل اصل عملی ترخیصی باشد، گفته شد که در این حالت، ثمره عملی میان اثبات خبر با دلیل حجیت یا با علم اجمالی وجود ندارد؛ زیرا نتیجه در هر صورت ترخیص است. تفاوت صرفاً نظری است؛ اگر خبر با دلیل حجیت ثابت شود، بر اصل عملی حکومت دارد؛ اما اگر با علم اجمالی ثابت شود، چنین حکومتی مطرح نیست؛ زیرا علم اجمالی به ترخیص، منجز نیست و اثری فراتر از اصل ترخیصی ندارد.

سپس بحث به بررسی مدلول التزامی خبر در همین فرض (که اصل و مدلول مطابقی خبر ترخیصی اند) رسید و بیان شد که اگر مدلول التزامی خبر نیز مانند مدلول مطابقی اش ترخیصی باشد و اصل عملی جاری در مورد آن نیز ترخیصی باشد، باز هم ثمره عملی میان دو مبنا (دلیل حجیت شرعی یا علم اجمالی) وجود ندارد.

اکنون بحث به صورتی می‌رسد که گرچه مدلول مطابقی خبر ترخیصی است، اما مدلول التزامی آن الزامی است. حال باید نسبت این مدلول التزامی الزامی را با اصل عملی جاری در مورد مدلول التزامی سنجید؛ چراکه اصل عملی جاری در مورد مدلول التزامی نیز یا الزامی است یا ترخیصی که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد:

حالت اول: مدلول التزامی الزامی خبر در مقابل اصل عملی الزامی

اگر مدلول التزامی خبر، الزامی باشد و اصل عملی جاری در مورد موضوع آن مدلول التزامی نیز الزامی باشد - مانند اصل احتیاط عقلی -، در این فرض نیز ثمره عملی میان اثبات خبر با دلیل شرعی یا با علم اجمالی وجود ندارد؛ زیرا در هر دو صورت، نتیجه، لزوم احتیاط و عمل به مقتضای الزام است. البته تفاوت نظری همچنان وجود دارد به این صورت که اگر خبر با دلیل حجیت ثابت شود، مدلول التزامی الزامی آن بر اصل عملی الزامی حکومت خواهد داشت؛ اما اگر وجوب عمل به خبر با علم اجمالی ثابت شود، حکومتی در کار نیست و عمل به الزام، مستند به همان اصل عملی الزامی خواهد بود.

حالت دوم: مدلول التزامی الزامی خبر در مقابل اصل عملی ترخیصی

این حالت، محل اصلی بروز تفاوتی است که مرحوم صدر مطرح می‌کنند. فرض این است که خبر، مدلول مطابقی ترخیصی دارد، اما مدلول التزامی آن الزامی است، در حالی که اصل عملی جاری در مورد موضوع آن مدلول التزامی، ترخیصی است - مانند اصل برائت -.

در این صورت اگر حجیت خبر با دلیل حجیت ثابت شود؛ در این صورت، مدلول التزامی الزامی خبر نیز حجت است و بر اصل عملی ترخیصی حکومت می‌کند و نتیجه، لزوم عمل به آن الزام است.

۱. در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان: مبنای ما در اینجا آن است که اصول عملیه، ادله‌ای هستند که در فرض «عدم الدلیل» به کار گرفته می‌شوند؛ یعنی موضوع اصول عملیه، «شک» نیست - آن‌گونه که شیخ انصاری، صاحب کفایه و برخی دیگر از بزرگان معتقدند -؛ بلکه «فقدان دلیل معتبر» است. مقصود از «دلیل»، آن است که حجیتش، با دلیل قطعی اثبات شود و دلیل هم باشد دلیلی باشد که کاشف از واقع باشد (اماره). ترتیب رجوع مکلف برای کشف حکم واقعی چنین است: ابتدا به دنبال قطع و یقین می‌رود؛ اگر قطع حاصل نشد، به سراغ دلیل معتبر کاشف از واقع (اماره) می‌رود که حجیتش با دلیل قطعی اثبات شده است؛ و اگر چنین دلیلی نیز یافت نشد - یعنی «عدم الدلیل» محقق شد - نوبت به اصل عملی می‌رسد. شارع مقدس در وضعیت فقدان دلیل، وظایفی را از طریق اصول عملیه - مانند آنچه از حدیث رفع «رُفِعَ مَا لَا يَعْلَمُونَ» استفاده می‌شود - معین کرده است.

بنابراین، طبق این مبنا، هرگاه دلیل معتبر (اماره، مانند خبر ثقه حجت) وجود داشته باشد، موضوع اصل عملی، که «عدم الدلیل» بود، حقیقتاً و وجداناً منتفی می‌شود. در این حالت، ادله حجیت امارات نسبت به ادله اصول عملیه «ورود» دارند؛ زیرا با اثبات وجود دلیل، موضوع اصل را به طور حقیقی از بین می‌برند و دیگر نوبت به اجرای اصل نمی‌رسد.

در مقابل، مبنای دیگری - مانند مبنای مرحوم نائینی - وجود دارد که معتقد است ادله حجیت امارات - مانند خبر - آنها را تعبداً به منزله «علم» قرار می‌دهند. این علم تعبدی، شک وجدانی را از بین نمی‌برد، اما حکماً و تعبداً آن را نادیده می‌گیرد و مانع از جریان اصل مبتنی بر شک می‌شود. در این حالت، دلیل حجیت اماره با تصرف در موضوع اصل عملی از طریق تعبد شرعی، دامنۀ آن را تضییق کرده یا حکماً آن را منتفی می‌سازد؛ لذا نسبت بین آنها، حکومت می‌شود.

تفاوت دقیق میان این دو مبنا و آثار آن، بحثی است که تفصیل آن ان شاء الله در مباحث اصول عملیه ارائه خواهد شد.

اگر وجوب عمل به خبر با علم اجمالی ثابت شود، فروع مختلفی بر برای آن وجود خواهد داشت. مدلول التزامی الزامی خبر، طرف دو نوع علم اجمالی قرار می گیرد. توضیح اینکه در ابتدای بحث توضیح داده شد در اینجا دو نوع علم اجمالی وجود دارد:

۱. علم اجمالی به وجود الزامات: ما علم اجمالی داریم که در میان انبوه اخبار رسیده، تعداد قابل توجهی احکام الزامی مطابق با واقع وجود دارد. این علم اجمالی، منجز است و لزوم احتیاط در اطراف آن را ایجاب می کند و مبنای اصلی قول به وجوب عمل به خبر از باب علم اجمالی همین است.

۲. علم اجمالی به وجود ترخیصات: همچنین علم اجمالی داریم که تعداد قابل توجهی از اخبار ترخیصی رسیده نیز مطابق با واقع هستند. این علم اجمالی، چنانکه گذشت، منجز نیست.

حال، خبر مورد بحث ما که مدلول مطابقی ترخیصی و مدلول التزامی الزامی دارد، وقتی وجوب عمل به آن صرفاً از باب علم اجمالی کلی به وجود الزامات ثابت می شود، از جهت مدلول مطابقی ترخیصی اش، طرف علم اجمالی غیرمنجز مربوط به ترخیصات است و از جهت مدلول التزامی الزامی اش، طرف علم اجمالی منجز مربوط به الزامات است.

پرسش اصلی در اینجا این است که چه نسبتی بین این دو علم اجمالی برقرار می شود؟ این نقطه، محل بحث دقیقی است که نیازمند بررسی است که تفصیل این بحث و نتیجه گیری نهایی آن ان شاء الله در جلسه آتی پیگیری خواهد شد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين